

زبان کردی و فرهنگ و ادب ایرانی

ایرج وامقی

با تشکر از شما بزرگواران مهمان‌نواز کردستان
عرض کنم حضور شما، بعد از شنیدن این همه سخنان شیرین واقعاً شنیدن
عرایض بنده مقدار زیادی کسالت آور خواهد بود.
پیشاپیش می‌گویم و کمی هم فنی بعد، و مخصوصاً وقتی که دیگر چیزی به
نهار نمانده و به هر حال به بزرگواری خودتان عرایض ملال آور بنده را
می‌بخشید حضار محترم، خانمها، آقایان، قبلاً از اینکه عرایض این بنده قدری
خسته کننده و تا اندازه‌ای فنی و ملال آور است، پوزش می‌طلبم، من می‌خواهم
درباره اوزان شعر کردی صحبت کنم و اگر چه یک بار طی مقاله‌ای این مبحث
را در نشریه‌ای مطرح کرده‌ام و یکی از دوستان عزیز بنده، جناب آقای احمد
شریفی که اینجا تشریف دارند و بخشی از این را به کردی ترجمه و در مجله‌ای
چاپ فرموده‌اند، اما هنوز بحث در این باره در آغاز کار است. به جرأت
می‌توانم عرض کنم، تا بحال در راه شناختن اصول و قواعد شعر کردی چه از
سوی گردان و چه از سوی سایر هموطنان، قدمهای جدی برداشته نشده است و
کار ناچیز این بنده نیز فقط باید به عنوان یک گام اولیه تلقی شود و امیدوارم
فضلائی گردد بتوانند نارساییهای عرایض این بنده را جبران کنند و آنچه من
نتوانسته‌ام پیدا کنم آنها پیدا کنند و به قواعد شعر اصیل کردی، سر و سامانی
بدهند، هنگامیکه از وزن اشعار کردی صحبت می‌کنم، به هیچ وجه مقصودم

غزلها و قصائد و سایر انواعی از شعر کردی که در اوزان عروضی سروده شده است نیست، بلکه آن وزنهائی را در نظر دارم که بر حسب عادت آن را گورانی می‌نامیم و من تا کنون فقط موفق به شناختن سه وزن در گورانی شده‌ام نه بیشتر و می‌دانم که باید بیش از اینها باشد، یا بیش از اینها بوده و اکنون به فراموشی سپرده شده است. نکتهٔ دیگری که باید اضافه کنم. اگر می‌گویم وزن شعر کردی باید توجه داشت که این اصطلاحی است قراردادی و گرنه در این باره چنانکه به عرض خواهم رساند این اصطلاح رسانندهٔ به مقصود نیست بیشتر باید گفت آهنگ شعر کردی، تقریباً تمامی حاضران محترم یعنی کسانی که با شعر کردی و منظوم همان گورانی است آشنائی دارند می‌دانند که این نوع شعر هیچگاه بدون همراهی آواز و احیاناً موسیقی خوانده نمی‌شود. غزل فارسی و کردی را بدون موسیقی می‌خوانند و اهل شعر و ادب از شنیدن آن غرق لذت می‌شوند مثلاً این شعر سعدی:

بسم از هوا گرفتند که پری نماند و بالی به کجا روم ز دست که نمیدهی مجال
یا این شعر کردی که یک بیتش را دوست عزیز من خواندند:
بوچی نگریم صد که رتم دل ده شکینی می بو نه زیزی شیشه له صد لاهه شکاوه
اما حتی در زمان ساسانیان نیز چنین شعری بدون آواز خوانده نمی‌شده است.

من دورو تو دور وه دوریت قه‌سه‌م هر وه‌فته بیچوم ئاگر وه جه‌سه‌م

اجازه بفرمائید پس از این مقدمهٔ کوتاه مقدمهٔ دومی را عرض کنم:
زبان کردی یکی از زبانهای متعدّد خانوادهٔ زبانهای ایرانی است. خانوادهٔ زبانهای ایرانی از کهنسال‌ترین اعضاء خاندان زبانهای هند و ایرانی یا آریائی کهن‌ترین شاخهٔ زبانهای هند و اروپائی است. زبانی که ما اسمش را امروز

می‌گذاریم هند و اروپایی یک اصطلاح قراردادی است. امروز در واقع آن زبان فرضی، می‌دانیم که در کجا بوده. مادر تمامی زبانهاست که از انتهای هند تا انتهای اروپا گسترده هستند شاخه اصلی این زبان، زبان آریایی است که به آن هند و ایرانی می‌گویند. چون ایرانیها و هندیها در کتابهای خودشان، خودشان را آریایی معرفی کرده‌اند. البته علمای مغرب زمین معتقدند که آریایی باید بر تمامی این زبانها اطلاق بشود. به هر حال مقصودم این بود که زبان کردی از این خانواده زبانهای ایرانی است که زبانهای ایرانی از کهنسال‌ترین اعضای خانواده زبانهای هند و ایرانی یا آریایی و این زبان اخیر کهن‌ترین شاخه زبان هند و اروپایی است از خانواده زبانهای ایرانی کهن باستان، چهار زبان را می‌شناسیم ولی متأسفانه از دو زبان نوشته‌هایی در دست داریم و از دو زبان دیگر فقط واژه‌هایی، از بان اوستایی کتاب اوستا باقی است که خوشبختانه تعداد نسبتاً زیادی واژه دارد. در ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی و کردی سایر زبانهای ایرانی بسیار کمک می‌کند. از زبان دوره هخامنشی که اصطلاحاً به آن می‌گوییم «فارسی باستان» کتیبه‌هایی از شاهان آن سلسله در دست داریم که چنانچه می‌دانید مفصل‌ترین آنها کتیبه معروف «بیستون» در نزدیکی کرمانشاه بر بدنه کوهی به همین نام باقی است. از زبانهایی که تنها واژه‌هایی از آن می‌شناسیم یکی زبان مادهاست که اقوام غربی ایرانی را تشکیل می‌دادند و با کمال تأسف تا کنون هیچ نوشته‌ای از آنان به دست نیامده ولی بدون سند و مدرک هم می‌توان با قاطعیت تمام اظهار کرد که آن زبان با زبان هخامنشیان یعنی فارسی باستان تفاوت‌هایی بسیار اندک داشته، تفاوت‌هایی که هم‌اکنون نیز می‌توان در میان لهجه‌های یک زبان واحد یافت.

از واژه‌های زبان مادی که در زبان فارسی باستان و از آنجا به زبان فارسی و کردی امروز رسیده است برای نمونه چندتایی را نقل می‌کنم: مثلاً «واژه اسب»

واژه اسب یک واژه مادی است که در فارسی و کُردی باقی مانده. ولی کلمه سوار بر اسبان واژه مادی نیست بلکه واژه فارسی باستان است که در آنجا اسب گفته می‌شود. واژه شهر واژه مهر - میترا - واژه بزرگ این واژه‌ها، مادی است. همین جا باید گفت که کشوری که اکنون ایران نام دارد و وطن عزیز و محبوب ماست و از نام آوران تاریخ بشر به شمار می‌رود به دست توانای همین قوم ماد برای نخستین بار ایجاد شده است و ان شاءالله به دست توانای فرزندان برومند همان تیره نجیب و سرافراز ایرانی که شما مردم دلاور کُرد باشید به جاودانگی خواهد پیوست.

مجال آن نیست که عرض کنم. حکومت هخامنشی در اصل یک حکومت مشترک پارسی مادی است و این را نقوش تخت جمشید به روشنی به ما می‌گوید و گویا داریوش در نشان دادن این مطلب در نقوش تخت جمشید حتی تعمّد داشت. باری زبان دیگر ایرانی که واژه‌هایی از آن در دست داریم زبان سکایی است مربوط به قوم جنگجو و دلیر و سوارکاران بی‌نظیر. جهان باستان که باید عرض کنم که این شهر عزیزی که مهماندار ماست و در طول عمرم این دومین باری است که به زیارتش نایل شده‌ام یعنی «سقز» منسوب است به همان قوم ایرانی و نامش از قوم (سکه) به یادگار مانده است. معلوم است که از این چهار برادر فرزندان متعددی به وجود آمده‌اند. این فرزندان متعدد را ما از دیدگاه زبان شناسی تاریخی زبانهای ایرانی می‌شناسیم یعنی در واقع نسل دوم از زبان ایرانی باستان، ولی پیوند میان آنها به سختی استوار است ما برای مثال زبان ساسانیان که ایرانیان جنوبی هستند و اشکانیان که ایرانیان شرقی و بعدها غربی هستند در دوره میانه تفاوت چندانی با هم ندارند که جالب است زبان فارسی به اجبار زبان همگانی ملت ایران شده است و در حالی که تاریخ گواه است که در هنگامی این زبان به عنوان زبان واسط و رابط و پیوند بین

خودمان پذیرفتیم که حتی عنصر ایرانی بر ایران حکومت نمی‌کرد. سهل است این زبان را غزنویان به هندوستان برده‌اند. غزنویان ترک‌نژاد، و سلاطین ترک عثمانی زبان رسمی دولتی و درباری و نامه‌نگاریهایشان فارسی بود. از همین مقولهٔ دردآور که سیاست می‌خواهد بین ماد و دیگر برادران ایرانی ما جدایی افکند و نمی‌تواند می‌گذریم و باید بگوییم که در خانوادهٔ زبانهای ایرانی زبان فارسی دری را ما به عنوان برادر بزرگتر و حافظ و نگهبان میراث نیاکان کهن خود پذیرفته‌ایم. اما در این میان باید گفت هیچ زبانی از این خانوادهٔ بزرگ به اندازهٔ زبان کُردی به فارسی نزدیک نیست تقریباً همهٔ اعضای خانواده تحت تأثیر فارسی و مخصوصاً شعر فارسی و فارسی ادبی هستند. دیروز خدمت بعضی از آقایان عرض کردم و اینجا چون نوشته‌ام یادآوری می‌کنم که تصور نرود که زبان فارسی که یک زبان یکدستی است زبان فارسی از تمام زبانهای ایرانی مایه گرفته چه بسیار واژه‌های کُردی در زبان فارسی هست که آن دوست عزیز تذکر فرمودند و عرض کردم کاملاً درست است و بیش از این هم هست که کلمهٔ فرزانه که در پهلوی هم بصورت فرزانه آمده است به اصطلاح ترکی نارسای امروز دوقلو، این کلمهٔ دوقلو به عدد ۲ مربوط نیست یعنی فرزندان که با هم به دنیا می‌آیند. این کلمهٔ (جَم) چون جمشید خواهرش توأم بدنیا آمده‌اند یکی را (جَم) و دیگری (را جِم) به زبان اوستائی (یم‌مه) و (یم‌ما) آورده‌اند و در بسیاری از زبانهای ایرانی هنوز این کلمه باقی است (جمیلی) (جمولو) (جیمی) به همان معنی (دو قلو). ساختمان دو زبان به قدری شبیه است که پنداری یک زبانند در دو لهجه و این مرا به یاد نزدیکی زبان مادی و زبان فارسی، باستانی می‌اندازد که مجال بحث در آن نیست اما شعر کُردی، غیر از غزل و قصیده جزء همان گروهی از اشعار ایرانی است.... پهلوی می‌گویند. نگفته پیدا است که پهلوی همان پهلوی است و این نشان دهندهٔ این مطلب است که این اشعار دنبالهٔ اشعار

زبان پهلوی هستند و بی‌گفتگو شعر زبان پهلوی یعنی یک زبان ایرانی دورهٔ میانه دنبالهٔ اشعار زبانهای باستانی است. از زبانهای باستانی که پیش از این نام بردیم تنها از یک زبان شعر داریم و آن زبان اوستاست و خوشبختانه، شاعر بخش اعظم اشعار اوستا را به نام می‌شناسیم او پیامبر بزرگ ایرانی زردشت سپیدمان است و به عبارت روشن‌تر زردشت، کهنسال‌ترین شاعر شناخته شده، تمامی زبانهای هند و اروپایی است دربارهٔ وزن شعر گائاهای اوستا سخن بسیار گفته‌اند اما جای سخن هنوز بسیار است. و ما در اینجا مجال بحث آن نداریم. اما دربارهٔ زبان پهلوی تا دیرزمان این گمان نادرست را ترویج و حتی تبلیغ می‌کردند که ایرانیان شعر نداشته‌اند. این عقیده اگر هیچ سندی هم در میان نباشد از نظر علمی به کلی مردود است البته خط ناقص پهلوی نیز با شیوهٔ شگفت خود به کمک این مبلغان می‌آمد اما کشف اوراق (ماهنویان) در ترکان چین همهٔ این تصورات را باطل کرد و دری‌گشود بر روشنائی روز. دانشمندان بسیاری بر سر این نوشته‌ها رنج برده‌اند. و سختیها کشیده‌اند تا توانسته‌اند اوراق پریشان را نظم دهند و ما که صاحبان اصلی آن اوراق بودیم از آن بی‌خبر ماندیم تا هنگامی که نتیجهٔ تحقیقات آنان به چاپ رسید و شاید این بندهٔ تنها این افتخار را داشته باشد که آنها را از زبانهای پهلوی ساسانی و اشکانی به فارسی دری ترجمه کرده و نیز متوجه وزن آن اشعار شده که برخی با اوزان شعر کردی هماهنگی تام و تمام و کامل دارد.